

اثربخشی آموزش برقراری ارتباط کلامی به والدین بر کاهش تعارضات و بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد

محمد رضا غفوری زارچ^۱

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش برقراری ارتباط کلامی به والدین بر بهبود رابطه مادر - دختر انجام شده است. این پژوهش نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مادران دختران نوجوان مقطع متوسطه اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهرستان یزد در نیمه اول سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده است که تعداد آنها حدوداً ۱۱۷۰ نفر بود. برای اندازه‌گیری میزان تعارض در پیش‌آزمون و پس‌آزمون از پرسشنامه شیوه‌های حل تعارض والد - فرزند اشتراوس (۱۹۹۰)، همچنین به‌منظور سنجش رابطه والد - فرزندی از مقیاس رابطه والد - فرزندی فاین، مورلند و شوبل (۱۹۸۳) استفاده شده است. از میان مادران، ۴۴ نفر که نمرات آنان بالاتر از دیگر مادران بود انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه تحت آموزش مهارت ارتباط کلامی قرار گرفت، سپس در مورد دو گروه پس‌آزمون اجرا شد. در تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات این پژوهش، از آمار استنباطی شامل آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) برای بررسی تفاوت میان گروهها استفاده شده است. نتایج نشان داد شرکت در کلاسهای آموزش ارتباط کلامی به کاهش تعارضات و افزایش بهبود رابطه میان مادر - دختر در مقایسه با گروه کنترل می‌انجامد. در مجموع نتایج پژوهش نشان داد که برگزاری و شرکت در جلسات آموزشی برقراری ارتباط کلامی موجب کاهش تعارضات و بهبود رابطه میان مادر و دختر می‌شوند.

کلید واژگان: ارتباط کلامی، رابطه مادر و دختر، دانش‌آموزان دختر، یزد، تعارضات، مهارت

تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۷

۱. دانشجوی دکتری رشته مشاوره خانواده، واحد سنجند، دانشگاه آزاد اسلامی، سنجند، ایران Mohammad.reza.ghafoori.2020@gmail.com

■ مقدمه و بیان مسئله

نوجوانی را می‌توان مهم‌ترین دوره زندگی هر فرد دانست که ویژگیهای رشدی آن می‌تواند بر اختلالات روانی - رفتاری فرد اثر بگذارد. از آنجا که بخش وسیعی از ساختار جمعیتی ایران را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، توجه به مسائل آنها حائز اهمیت است (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷). درواقع، این دوره از رشد، دوره زمانی میان بلوغ و رسیدن به بزرگسالی توصیف می‌شود. مرحله گذر از سنین کودکی و رسیدن به مرحله جوانی است و زمان پیدایش تغییرات جسمی، عقلانی و روانی است. طی این مرحله، افراد به بلوغ جسمی و جنسی می‌رسند و توانایی عقلانی آنها به سطح بالاتری گسترش می‌یابد و تصمیم‌گیریهای تحصیلی و شغلی آنها برای دوران بزرگسالی، شکل می‌گیرد. تغییرات نوجوانی عامل رویارویی با خطراتی است که ارتقای سلامت فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت را به همراه دارد (کاسارو و کوتسار، ۲۰۱۱).

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است و زمانی است که تغییرات قابل توجهی در روابط مادر ایجاد می‌شود. این تغییرات سبب می‌شوند نوجوان زمان کمتری را با والدین صرف نماید و از نظر عاطفی از آنها متمایز شود (شکریبگی و یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۱).

در دوره نوجوانی والدین در تغییر روابط نقش دارند، میزان استقلال که در فرزند خود به رسمیت می‌شناسند، شیوه تربیتی که درمورد وی به کار می‌گیرند و نوع رابطه با فرزند که خلاقیت، صبر و جرأت آنها را به چالش کشیده است؛ همه و همه مهم اند. رشد نوجوانان و حرکت در مسیر شخصیتی که مورد نظر خودشان است، می‌تواند بر تعارضات بیفزاید. ظرفیت و توانایی والدین در تطبیق شیوه تربیتی آنها با نیازهای متغیر فرزند نوجوان، بر سازگاری او اثرگذار است، بنابراین می‌توان گفت تنها عامل محکم پیشگویی‌کننده وضعیت رفاه و سلامت ذهنی نوجوان، کیفیت رابطه وی با والدین است (استالمان و رالف، ۲۰۰۷) و تأثیرات والدین در طی کردن این مرحله و توسعه تغییرات آن بسیار حائز اهمیت است (شهرکی‌ثانوی، نویدیان، انصاری‌مقدم و فرجی‌شوی، ۱۳۹۰).

فخرالدین و عمیدی مظاهری (۱۳۹۶) در مطالعه خود بیان داشته‌اند که تعارض به شکل اختلاف‌نظر، مخالفت و بحث و جدل یکی از برجسته‌ترین انواع تعاملها در سنین نوجوانی است. تعارض ناشی از تغییرات رشدی است و در اوایل نوجوانی که نوجوانان در پی کسب استقلال هستند، رخ می‌دهد. تلاش والدین در جهت کنترل نامناسب نوجوانان به‌ویژه در حوزه شخصی یعنی زمانی که نوجوانان برای داشتن استقلال تلاش می‌کنند، منجر به تشدید اختلافات میان والدین - نوجوانان می‌شود.

همان‌طور که نوجوان در پی کاهش محدودیت و افزایش آزادی است، این مرحله برای والدین چالش‌برانگیز است. لازم است والدین در ابتدای دوره نوجوانی فرزند، به اطلاعات کافی و صحیح درباره

1. Kasearu & Kutsar

2. Stallman & Ralph

رشد طبیعی نوجوان، تشخیص مسیر سلامتی و تسهیل رشد و منابع کمکی در مواقع لازم، دسترسی داشته باشند، چرا که روشهای تربیتی والدین می تواند اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد و شخصیت افراد در آینده داشته باشند (اعتمادی، گیتی پسند و مرادی، ۱۳۹۲).

درگیری مادر - نوجوان بیشتر از درگیری پدر - نوجوان است و در این میان، درگیری مادر و دختر بیشتر از سایر گروههاست (ماریچی و تورلیوک^۱، ۲۰۱۳). اغلب ناسازگاریهای بین مادران و دختران، خود را به شکل بحثهای جزئی و غر زدن در مورد محدودیت زمان آمدن به خانه، ارتباط با دوستان، نظافت روزانه و طرز لباس پوشیدن نشان می دهد (افقری، ۱۳۹۱). بر اساس گفته جورجیتا^۲ و همکاران، اغلب به دلیل اینکه مادرها بیشتر از پدرها وقت خود را با دختران می گذرانند، بیشتر آنها را تحت کنترل و نظارت دارند و اختلاف میان مادر و دختر شدیدتر به نظر می رسد (بسکو^۳ و همکاران، ۲۰۰۳).

تعارضات والدین و فرزندان از تغییر رابطه میان مادر - فرزند به وجود می آید. از مهم ترین علل تعارض مادر - دختر، بحث «استقلال» است. احساس عدم کنترل در زمینه رفتارهای نوجوان، تمرد از توصیه های والدین، عصبانیت والدین در مقابل نوجوانی که خواهان آزادی بیشتر است و ترس والدین در خصوص امنیت وی، چالشهای اصلی والدین هستند و سایر موارد تمرد نوجوان از انجام تکالیف درسی، فعالیتهای خانه، انتخاب فعالیتها و دوستان، شکوه های نوجوانان از والدین، سبک اعمال قدرت، انتظارات غیر واقع بینانه، حساب نکردن روی نوجوان و دیدگاهش، باج گیری عاطفی، در دسترس نبودن، انتظارات مکرر و پیش داوری در خصوص نوجوانان را شامل می شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲).

مادران نوجوانان در اواخر نوجوانی، دلیل تعارض خود و نوجوان را ناشی از روابط منفی خود با فرزندان می دانند و معتقدند که اختلاف عقیده ها در طول این دوران، دلیل ناتوانی نوجوان در انجام دادن وظایف است، به عکس دوران اولیه نوجوانی که منشأ تعارضات، تأثیرات بیولوژیکی و فرهنگی بر خانواده و نوجوان است (هریس^۴، ۲۰۰۶).

ژائو^۵ و همکاران اشاره دارند که شدت درگیری والد - نوجوان به نوع روابط خانوادگی، فرایندهای کسب استقلال و رضایت از زندگی در نوجوان بستگی دارد (ژائو، ۲۰۱۵).

عمده تعارضات مادران و دختران، به محدودیت زمان بازگشت به خانه، دوستان، همکاری در کارهای خانه و تکالیف مدرسه مربوط می شود. همچنین دختران زمانی شروع به بحث می کنند که احساس کنند مورد انتقاد قرار گرفته اند، ولی مادران عقیده دارند دخترشان با آنها بحث می کند تا حرف آنها را گوش

1. Marici & Turluc
2. Georgetta
3. Bosco
4. Harris
5. Zhao

نکنند. تعارضات به‌ویژه در بین مادران و دختران شایع است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲).

بخشی از مشکل در رابطه مادر - دختر در این نکته نهفته است که دختران در دوره بلوغ خود را بازنگری می‌کنند و بخش‌هایی را در وجود خود می‌یابند که هیچگاه توسط مادر تشویق نشده است. از سوی دیگر مادران، زمانی که بخش‌هایی از وجود خود را در دخترشان می‌بینند، زبان به تحسین و تشویق می‌کشایند و ناآگاهانه می‌کوشند آرزوهای نافرجام خود را به دخترشان تحمیل نمایند. اما هنگامی که دختر در مسیر دیگری حرکت می‌کند، به سرزنش وی می‌پردازند. این موضوع می‌تواند سرچشمه مشکلات زیادی بین مادر و دختر باشد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲).

در خصوص تعارض به وجود آمده، چنانچه راه‌های مقابله‌ای مفیدی به کار گرفته شود، به رشد رابطه کمک می‌کند، ولی چنانچه طرفین درگیر در تعارض، نحوه برخورد صحیح را ندانند، نه تنها تعارض موجود رفع نمی‌شود، بلکه تعارض پیش‌آگاهی خروج از تعادل است و به تداوم رابطه هم آسیب می‌رساند (هاشمی شیخ‌شانی، ارشدی و بذرافکن، ۱۳۹۰).

یکی از معروفترین و رایج‌ترین روش‌های حل مشکلات و پیشامدهای درون خانواده، استفاده از روش گفت‌وگو است. دارا بودن مهارت روابط کلامی، روح حاکم بر گفتگوها در محیط خانواده است تا از این طریق بتوانند نظر خود را با یکدیگر در میان بگذارند و چالش‌ها و تعارضات احتمالی را حل کنند (مخاطب، ۱۳۹۱). فراهم کردن زمینه مناسب گفت‌وگو، یکی از راهکارهایی است که برای برقراری ارتباط الزامی است. با به وجود آوردن بستر مناسب گفت‌وگو می‌توان به اوضاع روحی، جسمی و محیطی فرد مخاطب توجه و زمینه مطلوب ادامه ارتباط را فراهم کرد (رفعتی، ۱۳۹۳).

به‌نظر می‌رسد این روش درمانی بتواند بر کاهش تعارضات والد - فرزندی و افزایش بهبود رابطه والد - فرزندی اثرگذار باشد. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا آموزش مهارت ارتباط کلامی بر کاهش تعارضات و بالابردن بهبود روابط والد - فرزندی اثرگذار است یا خیر؟

از آنجا که در دوران نوجوانی، تعارض والد - فرزند افزایش می‌یابد و والدین و نوجوانان کمتر با یکدیگر صمیمی‌اند، بررسی ارتباط میان والدین و فرزندان ضروری به‌نظر می‌رسد. همچنین توانایی‌های جدید استدلال کردن نوجوانان نیز می‌تواند در افزایش تنش خانوادگی دخالت داشته باشد. در عین حال، درخواست فرزندان از والدین برای اینکه با آنها مانند بزرگسالان رفتار کنند، دوره‌های موقتی تعارض را به بار می‌آورد (درویش محمدی، ۱۳۹۱).

روش بررسی

● **هدف پژوهش:** هدف این پژوهش تعیین تأثیر برگزاری جلسات آموزشی مهارت ارتباط کلامی به والدین بر کاهش تعارضات و بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستانی دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد بوده است.

● **فرضیه پژوهش:** برگزاری جلسات آموزش مهارت ارتباط کلامی به والدین بر کاهش تعارضات و بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستانی دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد تأثیر دارد. بر همین اساس ابتدا دو فرضیه ذیل اثبات می‌شود:

۱. برگزاری جلسات آموزش مهارت ارتباط کلامی به والدین بر کاهش تعارضات میان مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستانی دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد تأثیر دارد.
۲. برگزاری جلسات آموزش مهارت ارتباط کلامی به والدین بر بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستانی دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد تأثیر دارد.

● **طرح پژوهش:** این پژوهش با هدف شناسایی و حل مسائل و مشکلات موجود انجام شده است، از این رو از لحاظ هدف از نوع کاربردی است. این پژوهش نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش حاضر مادران دختران نوجوان مقطع متوسطه اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهرستان یزد در نیمه اول سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده است که تعداد آنها حدوداً ۱۱۷۰ نفر بود.

● **ابزار پژوهش:** برای اندازه‌گیری میزان تعارض از پرسشنامه شیوه‌های حل تعارض والد - فرزند اشتراوس (مقیاس تاکتیک‌های تعارض میان والدین و فرزندان)، ساخته مورای و اشتراوس (۱۹۹۰) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که سه تاکتیک حل تعارض یعنی مهارت استدلال، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی بین اعضای خانواده را می‌سنجد (ثنایی، ۱۳۷۹). این پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود و دارای پنج درجه از خیلی کم تا خیلی زیاد است که میزان بروز رفتار در هر پرسش را نشان می‌دهد. پنج سؤال اول پرسشنامه که استدلال را می‌سنجد به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده تعارض و استفاده کمتر از راهبردهای استدلال است. سؤالات مقیاس‌های پرخاشگری کلامی و فیزیکی به‌صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده تعارض و استفاده بیشتر از راهبردهای پرخاشگری کلامی و فیزیکی است. دامنه نمرات هریک از خرده‌مقیاس‌ها ۵ تا ۲۵ است که نمره ۵ نشان دهنده عدم تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان دهنده بیشترین تعارض است. دامنه نمرات برای کل آزمون ۱۵ تا ۷۵ است که نمره ۱۵ نشان دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان دهنده وخیم بودن رابطه است (ثنایی، ۱۳۷۹). زابلی (۱۳۸۳) پایایی پرسشنامه را برای کل آزمون ۰/۷۴، برای خرده‌مقیاس استدلال ۰/۵۸، برای پرخاشگری کلامی ۰/۶۵ و برای پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲، به‌دست آورده است. همچنین مرادی (۱۳۸۴) پایایی پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ برای کل آزمون و برای خرده‌مقیاس‌های استدلال ۰/۶۱، پرخاشگری کلامی ۰/۶۹ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۷۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر پایایی با روش بازآزمایی روی ۲۰ نفر از دانش‌آموزان در فاصله

یک ماه اجرا شده که بر اساس آن پایایی برای کل آزمون 0.82 ، برای خرده‌مقیاس استدلال 0.63 ، برای پرخاشگری کلامی 0.59 و برای پرخاشگری فیزیکی 0.79 به‌دست آمده است. روایی محتوایی این مقیاس نیز در پژوهش زابلی (۱۳۸۳) مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین مرادی (۱۳۸۴) روایی صوری این مقیاس را با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور و همچنین دانشجویان دکتری مشاوره مورد سنجش قرار داده است که روا بودن آن را تأیید کرده‌اند.

همچنین به‌منظور سنجش رابطه والد - فرزندی از مقیاس رابطه والد - فرزندی (فاین، مورلند و شوبل^۱، ۱۹۸۳) استفاده شده است که بنابر عنوان تحقیق از مقیاس سنجش رابطهٔ فرزند با مادر بهره گرفته شد. مقیاس رابطه والد - فرزند را نخستین بار فاین، مورلند و شوبل برای سنجیدن کیفیت روابط والد - فرزند تهیه کرده‌اند. مقیاس رابطهٔ والد - فرزند یک ابزار ۲۴ ماده‌ای، برای سنجیدن نظر نوجوانان درباره رابطه آنها با والدینشان است. پاسخها در یک طیف لیکرت ۷ درجه ای از ۱ (خفیف) تا ۷ (شدید) تنظیم شده است. ماده‌های ۹، ۱۳ و ۱۴ این مقیاس به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این مقیاس نمره بالاتر نشان دهنده رابطه خوب و مطلوب با پدر و مادر است و نمره پایین نشان دهنده ارتباط کم با والدین و تعارض با والدین است. این مقیاس دو فرم دارد، یکی برای سنجیدن رابطهٔ فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطهٔ فرزند با پدر. نمونه ای از ماده‌های این مقیاس عبارت است از: «وقتی را که با پدرتان صرف می‌کنید چقدر است.» ضریب پایایی این خرده‌مقیاس را فاین و همکاران با روش آلفای کرونباخ به‌دست آورده اند. ضرایب پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاسهای مربوط به پدر 0.89 تا 0.94 و برای کل مقیاس مربوط به پدر 0.96 به‌دست آمده است. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاسهای مربوط به مادر 0.61 تا 0.94 و برای کل مقیاس مربوط به مادر 0.96 به‌دست آمده که نشان‌دهنده همسانی درونی خوبی است. در پژوهش فاین و همکاران برای تعیین روایی این مقیاس از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج تحلیل عامل تأییدی ارتباط بالا و خوبی میان ماده‌ها را نشان داده است. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس تعارض با پدر، 0.89 و برای خرده‌مقیاس تعارض با مادر 0.92 به‌دست آمده است. همچنین، ضرایب استاندارد (بارهای عاملی)، در تحلیل عامل تأییدی، برای خرده‌مقیاس تعارض با پدر 0.64 تا 0.84 و برای خرده‌مقیاس تعارض با مادر 0.67 تا 0.78 متغیر بوده است.

● **روند اجرای پژوهش:** از میان مادران ۴۴ نفر که نمرات تعارض آنان بالاتر از دیگر مادران بود انتخاب شدند و به‌طور تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه تحت آموزش مهارت ارتباط کلامی قرار گرفت، سپس در مورد دو گروه پس‌آزمون اجرا شد. در گروه

1. Parent-Child Relationship Survey (Fine, Moreland & Schwebel)

تجربی، میزان تعارض و رابطه والد - فرزند هر نمونه پیش از آموزش مهارت برقراری ارتباط کلامی ثبت شد (پیش‌آزمون) و پس از شرکت در جلسات آموزش مهارت برقراری ارتباط کلامی، مجدداً ثبت شد (پس‌آزمون) اما در گروه کنترل جلسات آموزشی برگزار نشد. از مقایسه این دو آزمون میزان تأثیر جلسات آموزش برقراری مهارت ارتباط کلامی در کاهش تعارضات و بهبود رابطه والد - فرزند (مادر - دختری) به‌دست آمد.

● **جلسات آموزشی:** برنامه برگزاری جلسات آموزش مهارت برقراری ارتباط کلامی در قسمت بعد آمده است (جدول ۱).

جدول ۱. برنامه برگزاری جلسات (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۲)

ردیف	رئوس محتوا (سرفصل مطالب)
جلسه اول	معارفه و آشنایی با نوجوانان و والدین آنها (مادران)، بیان قوانین گروه، معرفی اهداف جلسات
جلسه دوم	بحث و آموزش در مورد اصل حسن مطلع و حسن ختام (نشان دادن حسن نیت در شروع گفت‌وگو، موجب کمتر شدن تعارضات می‌شود)
جلسه سوم	بحث و آموزش در مورد اصل کریم بودن (توجه به حقوق مخاطب در فحوای گفتگو)
جلسه چهارم	بحث و آموزش در مورد اصل معروف بودن (مخاطب- محوری و دقت در روحیه مخاطب هنگام گفت‌وگو، پذیرش را افزایش می‌دهد)
جلسه پنجم	بحث و آموزش در مورد اصل فصاحت و بلاغت (رسا و مفهوم بودن کلام، از پیچیدگی گفت‌وگو جلوگیری می‌کند)
جلسه ششم	بحث و آموزش در مورد اصل نرمی کلام و میسور بودن کلام (آرام و لطیف گفت‌وگو کردن سبب رشد افکار در گفت‌وگو و پذیرش می‌شود)
جلسه هفتم	بحث و آموزش در مورد اصل محکم بودن کلام (حاکم کردن و محور کردن عقل در گفت‌وگو، موجب حل بهتر تعارضات می‌شود)
جلسه هشتم	جمع‌بندی کلی

در تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات این پژوهش از آمار استنباطی شامل روش تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) برای بررسی تفاوت میان گروهها استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگیهای پژوهشی تحقیق حاضر در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ویژگیهای پژوهشی تحقیق

حجم گروه آزمایش	۲۲ دانش‌آموز
حجم گروه کنترل	۲۲ دانش‌آموز
طول مدت جلسات آموزش مهارت برقراری ارتباط کلامی	۸ جلسه
زمان برگزاری جلسات آموزش مهارت برقراری ارتباط کلامی	۴ هفته هر هفته ۲ جلسه
پیش‌آزمون و پس‌آزمون	۲ جلسه (یک هفته قبل از جلسات پیش‌آزمون و یک جلسه بعد از جلسات پس‌آزمون انجام گرفت)

در تحلیل داده‌ها به دلیل اینکه از روش تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) استفاده می‌شود، نیاز به رعایت پیش‌فرضهایی است که رعایت کردن هر یک از آنها به این شرح است: پیش‌فرض نرمالیتی با بررسی روی داده‌ها رعایت شده است (جدول ۳). در تفسیر آزمون ام باکس، اگر سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد پیش‌فرض رعایت شده است، یعنی ماتریس کوواریانس مشاهده شده متغیرهای وابسته در میان گروهها، یکسان است. ماتریس کوواریانس (مطابق جدول ۳) معنادار نبود، بنابراین این پیش‌فرض نیز رعایت شده است.

جدول ۳. ماتریس کوواریانس برای فرضیه اصلی

ام باکس	۱۳/۹۰۳
آماره F	۱/۸۲۳
درجه آزادی ۱	۶
درجه آزادی ۲	۱۲۷۸۰/۶۷۹
سطح معناداری (P)	۰/۰۵۸

برابری واریانس متغیرهای تعارض، رابطه والد - فرزندی از طریق آزمون لون بررسی شده است. در این آزمون اگر سطح معناداری از میزان خطای $0/05$ بیشتر باشد، واریانس این متغیرها یکسان است. چون سطح معناداری برای متغیرهای تعارض و رابطه والد - فرزندی بیشتر از خطای $0/05$ است لذا واریانس آنها یکسان است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره برای بررسی تفاوت میان - گروهی میانگین متغیرهای فرضیه اصلی

منبع تغییرات	منبع تغییر	ارزش	مقدار F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
اثر اصلی گروهها	آزمون اثر پیلائی	$0/350$	$6/631$	۳	۳۷	$0/001^*$
	آزمون لامبدای ویلکز	$0/650$	$6/631$	۳	۳۷	$0/001^*$
	آزمون اثر هتلینگ	$0/538$	$6/631$	۳	۳۷	$0/001^*$
	آزمون بیشترین ریشه روی	$0/538$	$6/631$	۳	۳۷	$0/001^*$

$^*P \leq 0/05$

آزمونهای پیلائی ($F=6/631$)، ویلکز ($F=6/631$)، هتلینگ ($F=6/631$) و بزرگترین ریشه روی ($F=6/631$)، در سطح $P < 0/05$ معنادار شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که آزمودنیها دستکم در یکی از عوامل تعارض و رابطه والد - فرزندی با یکدیگر متفاوت‌اند. نتایج نشان می‌دهد که گروه یعنی پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر تعارض، رابطه والد - فرزندی تأثیری معنادار داشته است ($F_{3,37}=6/631$ ، $P=0/001$) آزمون اثر هتلینگ).

نتایج اصلی آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (مانکوا) برای بررسی تفاوت میان - گروهی میانگین تعارض و رابطه والد - فرزندی در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره برای بررسی تفاوت میان - گروهی میانگین شادکامی، اضطراب و احساس

تنهایی دانش‌آموزان

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	رابطه والد - فرزند	۱۱۲۲/۱۲۵	۱	۱۱۲۲/۱۲۵	۹/۱۵۳	۰/۰۰۴*
	تعارض	۶۶۶/۲۷۹	۱	۶۶۶/۲۷۹	۴/۵۳۴	۰/۰۴۰*
خطا	رابطه والد - فرزند	۴۷۸۱/۱۴۹	۳۹	۱۲۲/۵۹۴		
	تعارض	۵۷۳۰/۶۴۶	۳۹	۱۴۶/۹۴۰		

* $P \leq 0.05$

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) نشان داد که با کنترل پیش‌آزمون، اختلاف معناداری میان میانگین نمرات گروههای آزمایش و کنترل از لحاظ نمره رابطه والد - فرزندی در پس‌آزمون وجود دارد ($P = 0.004$ و $F_{1,39} = 9.153$). از این رو شرکت در کلاسهای آموزش مهارت کلامی بر بهبود رابطه والد - فرزندی (مادر - دختری) تأثیر گذاشته و موجب بهبود رابطه میان مادران و دختران نوجوان در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون شده است. با کنترل پیش‌آزمون، اختلافی معنادار میان میانگین نمرات گروههای آزمایش و کنترل از لحاظ نمره تعارض در پس‌آزمون وجود دارد ($P = 0.040$ و $F_{1,39} = 4.534$). پس شرکت در کلاسهای آموزش مهارت کلامی بر تعارض والد - فرزند تأثیر گذاشته و موجب کاهش تعارض والد - فرزند در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون شده است. پس با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اصلی پژوهشگر تأیید می‌شود، یعنی کلاسهای آموزش مهارت کلامی بر بهبود رابطه والد - فرزندی (مادر - دختری) و کاهش تعارض والد - فرزند تأثیر می‌گذارد.

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش مهارت کلامی به والدین بر کاهش تعارضات و بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد بوده است. یافته‌ها نشان دادند که آموزش مهارت کلامی به والدین بر کاهش تعارضات و همچنین

بر بهبود رابطه مادر - دختر در دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه دوره اول، پایه‌های هفتم و هشتم شهر یزد تأثیر داشته است. آیلوی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و شیفرآو^۲ و همکاران (۲۰۱۴) بیان کرده‌اند که نداشتن مهارت ارتباطی مناسب برای انتقال اطلاعات، مسائل فرهنگی، سطح تحصیلات مادر، پایین بودن سطح اطلاعات در این زمینه و شرم و حیا سبب می‌شود که مادران در دادن آگاهی کافی به دختران موفق نباشند و دختران نیز کمتر در این مورد با مادران گفت‌وگو کنند، بنابراین گفت‌وگو با همسالان را ترجیح می‌دهند. کلانتری، غنا، ثناگو و جویباری (۱۳۹۲) بیان کرده‌اند که موانع و مشکلات فرهنگی پیرامون آموزش بهداشت بلوغ و باروری به نوجوانان را می‌توان با رعایت فرهنگ و باورهای مردمی به حداقل رسانید و آموزش مادران در زمینه چگونگی ارائه اطلاعات در مورد مسائل بلوغ به دختران می‌تواند تأثیری بسزا داشته باشد. فخرالدین و عمیدی مظاهری (۱۳۹۶) بیان کرده‌اند که شکل‌گیری تعارضات میان والدین و نوجوانان همواره از مشکلات رایج دوره نوجوانی است که در این دوره رخ می‌دهد. کرمی و زارع (۱۳۹۵) بیان می‌دارند که آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح میان والد - فرزند سبب کاهش تعارض به‌ویژه دختران با والدین می‌شود. بیگدلی، صفری و محمدی (۱۳۹۴) پژوهشی درباره اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر - دختر در دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار انجام داده و بیان کرده‌اند که تفاوتی معنادار میان تعارض، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری جسمانی دانش‌آموزان با والدین خود و همچنین افزایش توانایی استفاده از راهبردهای استدلالی در دانش‌آموزان وجود داشته است. به نظر می‌رسد مهارت ارتباطی ضعیف در والدین به پرخاشگری (کلامی و جسمانی)، کاهش راهبردهای استدلال و به‌طور کلی تعارض در فرزندان با والدین می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

در تعارض به وجود آمده، نمی‌توان به‌طور قطع مشخص کرد که در ناسازگاری و اختلاف میان والدین و نوجوانان چه کسی بیشترین نقش را دارد، اما می‌توان گفت که عدم آگاهی والدین و فرزندان از مهارت ارتباطی به‌ویژه مهارت کلامی سبب ناسازگاری و تعارض و تیره شدن روابط والدین با نوجوانان می‌شود. برای حل تعارض و بهبود روابط میان والدین و نوجوانان به اقدامات پیشگیرانه و مداخلاتی نیاز است تا بتوان به‌طور مؤثر به خانواده‌ها، والدین و نوجوانان برای بهبود بخشیدن به رابطه و کاهش مشکلات کمک کرد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر اثربخشی

1. Ayalew
2. Shiferaw

کلاسهای آموزش مهارت کلامی بر افزایش بهبود رابطه والد - فرزند (مادر - دختری) و کاهش تعارض والد - فرزند بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، استنباط می‌شود که این درمان می‌تواند راهکاری برای درمانگران حوزه روان‌شناسی و حوزه ناتوانیهای یادگیری و نیز راهگشای پژوهشهای آتی در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری کلی و پیشنهاداتی که بر اساس نتیجه این پژوهش می‌توان داشت این است که رفتار نوجوانان تحت تأثیر رفتار والدینشان است، زیرا نتایج این پژوهش روشن کرد که با آموزش و اصلاح رفتار تعاملی والدین، رفتار تعاملی فرزندان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به‌ویژه رفتارهایی مانند نحوه تعامل، پرخاشگری در تعامل و به‌کارگیری استدلال منطقی در تعامل. بنابر این به والدین توصیه می‌شود که برای بهبود و ارتقای رفتار فرزندانشان، ابتدا متوجه رفتار خود باشند. نتیجه دیگر آنکه فن آموزش جانشین و به‌ویژه آموزش از طریق نمایش (یادگیری جانشین از طریق فیلم) می‌تواند برای آموزش و تأثیر در رفتار تعاملی والدین و کودکان مؤثر باشد، بنابراین به‌منظور آموزش، اصلاح کردن و ارتقای رفتارهای مورد نیاز می‌توان از آن بهره گرفت.

در نهایت باید به محدودیتها و کاستیهای پژوهش اشاره کرد. از محدودیتهای مطالعه می‌توان به حجم کم نمونه اشاره کرد که قابلیت تعمیم را دشوار می‌کند. همچنین این پژوهش فقط به تعارض مادر - دختر پرداخته و بهتر است در مطالعات آتی تعارض مادر - پسر نیز مورد بررسی قرار گیرد. محدود بودن جامعه آماری این پژوهش به دانش‌آموزان دختر راهنمایی شهر یزد نیز یکی دیگر از محدودیتهای این پژوهش محسوب می‌شود، از این رو در تعمیم نتایج آن به دیگر جوامع آماری باید جانب احتیاط رعایت شود و با پژوهشی دیگر پشتیبانی شود. افزون بر این پیشنهاد می‌شود برای بررسی پایداری تأثیرات حاصله از متغیر مستقل، مطالعات پیگیری انجام شود. در ضمن با توجه به اثربخشی این روش اگر فیلمهای کاملاً اختصاصی در این زمینه ساخته شوند، اثرات آن به مراتب بیشتر خواهد شد. همچنین برگزاری کلاسهای آموزشی برای دختران نوجوان و مادرانشان دربارهٔ چگونگی برقراری ارتباط با یکدیگر، مسائل جنسی و بلوغ در جهت آگاهسازی آنها بسیار تأثیرگذار است. مشاوران مدارس نیز بهتر است به بحث دربارهٔ تعارضات خانوادگی بیشتر توجه کنند.

- اعتمادی، احمد؛ گیتی‌پسند، زهرا و مرادی، میترا. (۱۳۹۲). اثربخشی درمان گروهی راه‌حل‌مدار بر کاهش تعارضات مادر-دختر در مادران. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳ (۴)، ۵۶۵-۵۸۹.
- افق‌ری، فاطمه. (۱۳۹۱). تدوین و استانداردسازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباط زوجین با خانواده اصلی بر مبنای آسیب‌شناسی تعاملی در خانواده‌های شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بیگدلی، ایمان‌اله؛ صفری، هادی و محمدی، علی جعفر. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار. *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۷ (۴)، ۲۷-۳۵.
- ثنايي، باقر (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
- درویش محمدی، مؤگان. (۱۳۹۱). راهبردهای روان‌شناختی: بلوغ و نوجوانی. *مجله رشد آموزش مشاور مدرسه*، (۳۰)، ۵۰-۵۲.
- رفعتی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی ارتباطات میان فردی با تأکید بر ارتباط کلامی. *مجله روابط عمومی*، (۹۳)، ۳۷-۴۱.
- زابلی، پریسا. (۱۳۸۳). سنجش سودمندی روش نمایش‌گری در بهبود مهارت‌های رفع تعارض مادران با دختران دانش‌آموز سال اول دبیرستان منطقه ۲ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خاتم.
- زاده‌محمدی، علی و احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۷). هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴ (۱۳)، ۸۷-۱۰۰.
- شکریگی، علیرضا و یاسمی‌نژاد، پریسا. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری خانواده، عزت نفس و سلامت عمومی نوجوانان پسر بزه‌کار و عادی در کرمانشاه. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲ (۲)، ۱۷۸-۱۹۲.
- شهرکی‌ثانوی، فریبا؛ نویدیان، علی؛ انصاری‌مقدم، علیرضا و فرجی‌شوی، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۲)، ۱۰۱-۱۱۴.
- فخرالدین، الهه و عمیدی‌مظاهری، مریم. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین نمره تعارض خانوادگی از دیدگاه دختران دبیرستانی و مادران آن‌ها. *مجله تحقیقات نظام سلامت*، ۱۳ (۳)، ۳۶۷-۳۷۲.
- کریمی، میرحمزه و زارع، حسین. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش شیوه‌های برقراری ارتباط صحیح با والدین و فرزندان بر میزان تعارض بین آن‌ها در دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه شهر ایلام. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۷ (۱)، ۲۵-۳۴.
- کلانتری، سهیلا؛ غنا، سامیه؛ ثناگو، اکرم و جویباری، لیلیا. (۱۳۹۲). آموزش بلوغ و مسائل جنسی به دختران: تجارب مادران گرگانی. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۲ (۳)، ۷۴-۹۰.
- مخاطب، محمد. (۱۳۹۱). مهارت استفاده از روش بحث و گفتگو در خانواده. *مجله پیوند*، شماره ۳۹۰ و ۳۹۱، ۳۶-۳۸.
- مرادی، امید. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر تعارضات والد-فرزند در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- هاشمی شیخ‌شبان، سید اسماعیل؛ ارشدی، نسرين و بذرافکن، حسام. (۱۳۹۰). تحلیل ساختاری تعارض کار-خانواده با خشنودی شغلی و سلامت روانی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱ (۳)، ۳۴۵-۳۶۵.

Ayalew, M., Mengistie, B., & Semahegn A. (2014). Adolescent-parent communication on sexual and reproductive health issues among high school students in Dire Dawa, Eastern Ethiopia: A cross sectional study. *Reproductive Health*, 11, 77.

- Bosco, G. L., Renk, K., Dinger, T. M., Epstein, M. K., & Phares, V. (2003). The connections between adolescents' perceptions of parents, parental psychological symptoms, and adolescent functioning. *Applied Developmental Psychology*, 24, 179-200.
- Harris, P. G. (2006). *Patterns of absolute, differential and structural continuity in perceptions of nurturance in mother-daughter, mother-son, father-daughter and father-son dyads*. (Unpublished Doctoral dissertation). Iowa State University.
- Kasearu, K., & Kutsar, D. (2011). Patterns behind unmarried cohabitation trends in Europe. *European Societies*, 13(2), 307-325.
- Marici, M., & Turliuc, M. N. (2013). What do Romanian parents and adolescents have conflicts about? *Revista de Cercetare si Interventie Sociala*, 42, 28-49.
- Shiferaw, K., Getahun, F., & Asres, G. (2014). Assessment of adolescents' communication on sexual and reproductive health matters with parents and associated factors among secondary and preparatory schools' students in Debremarkos town, North West Ethiopia. *Reproductive Health*, 11, 2.
- Stallman, H. M., & Ralph, A. (2007). Reducing risk factors adolescent behavioral and emotional problems: A Pilot randomized controlled trial of a self-administered parenting intervention. *AeJAMH (Australian e-Journal for the Advancement of Mental Health)*, 6(2), 1-13.
- Zhao, H., Xu, Y., Wang, F., Jiang, J., Zhang, X., & Wang, X. (2015). Chinese adolescents' coping tactics in a parent-adolescent conflict and their relationships with life satisfaction: The differences between coping with mother and father. *Frontiers in Psychology*, 6, Article 1572.